

## نقش میانجی انتظارات زناشویی در رابطه بین نیازهای اساسی روانشناختی و طلاق عاطفی در کارکنان شبکه بهداشت و درمان

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳

دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶

**بهاره حبیبی<sup>۱</sup>، سارا شیرمحمدی<sup>۲\*</sup>، خدیجه شیرالی نیا<sup>۳</sup>، کیهان فتحی<sup>۴</sup>**

۱. دکترای مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. ۲. دکترای مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. ۳. استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. ۴. استادیار، گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

### چکیده

**مقدمه و هدف:** گاهی زوجین در رابطه خود دچار تعارض‌هایی می‌شوند که آن‌ها را به سمت طلاق هدایت می‌کند. اولین مرحله در فرآیند طلاق را طلاق عاطفی می‌دانند که بیانگر رابطه زناشویی رو به زوال است. هرچند رابطه بسیاری از متغیرها با طلاق عاطفی مشخص شده است، اما شناسایی عوامل میانجی می‌تواند مفید باشد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی انتظارات زناشویی در رابطه بین نیازهای اساسی روانشناختی و طلاق عاطفی در کارکنان شبکه بهداشت و درمان است.

**روش کار:** روش پژوهش حاضر توصیفی- تحلیلی از نوع همبستگی است. جامعه آماری آن را کارکنان متاهل شبکه بهداشت و درمان شهرستان ماهشهر در سال ۱۴۰۱ تشکیل دادند که با روش نمونه‌گیری در دسترس ۱۰۲ نفر داوطلب شرکت در پژوهش شدند. شرکت-کنندگان به پرسشنامه استاندارد نیازهای بنيادین روان‌شناختی، ایده‌آل سازی ازدواج و طلاق عاطفی پاسخ دادند. داده‌های پژوهش با استفاده از روش همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد اثر مستقیم نیازهای بنيادین روان‌شناختی بر طلاق عاطفی (-۰/۲۵۸) و اثر مستقیم انتظارات زناشویی بر طلاق عاطفی (-۰/۶۳۲) معنادار است ( $p < 0.001$ ). همچنین، اثر غیرمستقیم انتظارات زناشویی (-۰/۳۳) در رابطه بین نیازهای بنيادین روان-شناختی و طلاق عاطفی معنادار بود ( $p < 0.001$ ).

**نتیجه‌گیری:** به طور کلی می‌توان گفت که عدم ارضاء نیازهای بنيادین روان‌شناختی می‌تواند منجر به شکل‌گیری انتظارات خاص در افراد متأهل شود که منجر به طلاق عاطفی گردد. بنابراین، در برنامه‌های آموزشی پیش از ازدواج و در زوج‌درمانی توجه به نقش انتظارات زناشویی و نیازهای بنيادین روان‌شناختی زوجین می‌تواند در شناسایی و درمان مسائل زوجی حائز اهمیت باشد.

### کلیدواژه‌ها: نیازهای بنيادین روان‌شناختی، انتظارات، طلاق عاطفی

\* نویسنده مسئول: دکترای مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناختی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران  
ایمیل: shirmardi.sara1990@gmail.com  
نامبر: ۰۹۳۷۱۷۱۶۶۶۲

## مقدمه

مطلوب زناشوبي خود در آينده تعريف کرده‌اند که گاهی مبهم و ابراز نشه و گاه شامل تجارب گذشته و رسوم خانوادگی است که زندگی زوجين را به صورت منفي تحت تأثير قرار می‌دهد (۱۹).

پژوهش‌های بسیاری به بررسی رابطه مستقیم نيازهاي بنیادین روان‌شناختی و طلاق عاطفی پرداخته‌اند و نتایج حاکی از ارتباط این متغیرها با يكديگر است (۵، ۲۰). از نظر گلاسر (۲۱) نيز ناهمانگی نيازهاي روان‌شناختی و روش ارضاي آن‌ها با تعارض زناشوبي و كيفيت روابط زوجين ارتباط دارد. اما، به نظر مى‌رسد طلاق عاطفی و نيازهاي بنیادین روان‌شناختی خود نيز تحت تأثير عوامل ديگري باشند که يكى از آن‌ها انتظارات زناشوبي است (۲۲). چنانچه پژوهش‌ها نيز نشان داده‌اند که انتظارات زناشوبي با طلاق عاطفي (۴، ۲۳) و نيازهاي بنیادين روان‌شناختي رابطه دارد (۷).

طلاق عاطفي پيامدهای زيانبار جسماني و روانی برای زوجين دارد که می‌توان به اضطراب، افسردگی، کاهش اعتماد به نفس و بيماري‌هاي روان‌تنی اشاره کرد (۵ و ۱۲). بنابراین، شناسایي عوامل زمينه‌ساز آن، چگونگي روابط ميان عوامل مؤثر و چگونگي تأثير آن‌ها بر طلاق عاطفي مى‌تواند راهگشائي مداخلات زوج‌درمانگران، خانواده درمانگران و سودمندي مداخلات آن‌ها باشد. گرچه پژوهش Khanmohammadi و همكاران (۵) نشان داده است که نيازهاي بنیادي روان‌شناختي و انتظارات زناشوبي پيش‌بیني‌کننده طلاق عاطفي هستند و رابطه نيازهاي بنیادين روان‌شناختي و انتظارات زناشوبي با طلاق عاطفي يك رابطه خطی نیست (نقش عملکرد خانواده را به عنوان متغير ميانجي در اين رابطه بررسی کرده‌اند) اما، براساس پيش‌بینie نظریه پژوهش به نظر مى‌رسد نيازهاي بنیادين از طريق متغيرهای ديگري مانند انتظارات زناشوبي نيز بر طلاق عاطفي اثرگذار باشد؛ زيرا به نظر مى‌رسد انتظارات افراد از خلاءها و نيازهاي روانی برآورده نشده در تجارب گذشته آن‌ها نشأت مى گيرد (۲۴). بنابراین، زوجين از يكديگر انتظار دارند که همسرشان تمام اين خلاءها را پر کند (۲۴). به طوري که پژوهش Ercegovac Reić (۲۲) نشان داده است نيازهاي بنیادين روان‌شناختي مى‌تواند پيش‌بیني‌کننده انتظارات و نگرش افراد به ازدواج باشند. همچنين، به عقиде Knee & Acitelli (۲۵) انتظارات صحيح، موجب مى‌شود افراد نيازهاي شريک زندگی خود را به درستی ارزیابي کرده و رفتار مناسب نشان

"ازدواج يك پدیده اجتماعی است که در پناه آن يك مرد و زن از طريق تعهدی مبتنی بر قانون، مذهب و اخلاق يك کشور تصمیم می‌گیرند به عنوان زن و شوهر با هم زندگی کنند" (۱). ازدواج می‌تواند موجبات رضایت و شادمانی زناشوبي و در نتيجه افزایش كيفيت رابطه را فراهم کند که در اين صورت ثبات ازدواج و خانواده تضمین مى‌شود (۲ و ۳). با اين وجود، گاهی زوجين در رابطه خود دچار مشکل و تعارض مى‌شوند که آن‌ها را به سمت طلاق که نوعی آسيب اجتماعی است، هدایت مى‌کند (۴ و ۵). اولين مرحله در فرآيند طلاق را طلاق عاطفي مى‌دانند که بيانگر رابطه زناشوبي رو به زوال است و منجر به احساس بيگانگي بین زوجين مى‌شود (۶). در اين نوع طلاق زوجين به اجراء با هم زندگي مى‌كنند اما، جاذبه و اعتماد آن‌ها نسبت به هم از دست رفته است و رابطه سازنده‌اي ندارند (۸). طلاق عاطفي چند مرحله دارد؛ ۱. از بين رفتن محبت بین زوجين ۲. ترك جزئي و كامل اقدامات عاطفي که اين اقدامات مى‌تواند شامل عدم ابراز احساس تا روابط فرازنهاشوي و غفلت از همسر باشد (۳). طلاق عاطفي پيامدهای زيانبار جسماني و روانی برای زوجين دارد (۹) که می‌توان به اضطراب، افسردگي و کاهش اعتماد به نفس و بيماري‌هاي روان‌تنی اشاره کرد (۱۰).

از سوي ديگر، يكى از متغيرهای روان‌شناختي که می‌تواند طلاق عاطفي را پيش‌بیني کند، نيازهاي بنیادين روان‌شناختي است (۹) که تأثيرات عميقی بر شخصيت و رفتار افراد مى‌گذارد (۱۱). براساس نظریه خود تعیین گري، سه نياز بنیادين هر فرد، استقلال، شایستگي و تعلق مى‌باشد (۱۲). استقلال در اين نظریه به اين معناست که پيامدهای رفتار فرد توسط خود وی تعیین مى‌شود. احساس شایستگي به توانايي خلق آثار مطلوب مربوط مى‌شود و احساس برخورداری از روابط رضایت‌بخش، بيانگر نياز تعلق است. براساس اين نظریه در صورتی روابط زوجين همراه با رضایت خواهد بود که به ميزاني نيازهاي بنیادين روان‌شناختي آن‌ها برطرف شود (۱۳).

همچنين، يكى از عواملی که می‌تواند موجبات آشفتگي و ناسازگاری را در رابطه زناشوبي فراهم کند (۱۴) و بر گرایش زوجين به طلاق عاطفي تأثيرگذار است، انتظارات زناشوبي است (۱۵). پژوهش‌ها نيز نشان داده‌اند که سردي روابط ميان زوج ها به دليل برآورده نشدن انتظارات زناشوبي در بين زوجه‌ها است (۱۶، ۱۷، ۱۸). انتظارات زناشوبي را به انتظار فرد از رابطه

در پژوهش و ۲- تكميل ناقص پرسشنامه‌ها بود.

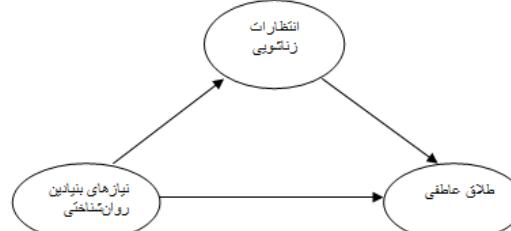
### ابزار گرداوري داده‌ها

**۱- پرسشنامه طلاق عاطفي:** Gottman (۲۹) اين پرسشنامه را در ۲۴ گوئيه به شکل دو گرینه‌اي و به صورت بلی (۱) يا خير (۰) تنظيم کرده است. پس از جمع کردن پاسخ‌هاي مثبت، چنانچه تعداد آن برابر ۸ و بالاتر باشد، به معنای اين است که زندگي فرد در معرض جدایي قرار داشته و علائمی از طلاق روانی در وي مشهود است. بالاترین نمره در اين پرسشنامه ۲۴ و پايین‌ترین نمره ۰ می‌باشد. پايابي اين ابزار از طريق روش آلفاي کرونباخ /۸ و روابي آن با استفاده از تحليل عاملی، روش چرخش واريماكس و آزمون اسکري ۷۹ بدست آمد (۲۹). پايابي کل اين ابزار در پژوهش موسوي و رحيمی‌نژاد (۳۰) با استفاده از آلفاي کرونباخ ۹۳ بدست آمد. روابي صوري و محتواي اين بسته نيز توسط ۵ نفر از اساتيد دانشگاه با تخصص خانواده و ازدواج تأييد شد (۳۰). در اين پژوهش پايابي اين ابزار از طريق آلفاي کرونباخ ۹۲ بدست آمد.

**۲- مقیاس ایده‌آل‌سازی ازدواج:** اين ابزار توسط Adoric & Juranic (۳۱) برای سنجش گرايش افراد به ایده‌آل‌سازی ازدواج ساخته شده است. اين ابزار دارای ۱۳ سوال و طيف ليکرت آن از کاملا درست = ۳ تا کاملا نادرست = ۳ است. سوال ۶ به صورت معکوس نمره‌گذاري می‌شود. حداقل نمره در اين آزمون ۳۹ و حدакثر ۳۹ است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده گرايش کم افراد به ایده‌آل‌سازی ازدواج می‌باشد (۳۱). روابي اين ابزار به روش همیسته شدن با مقیاس‌های رضایت زناشوبي، ثبات زناشوبي، انصاف درک شده و حل موفق تعارض در نمونه زوج‌های متأهل به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۴، ۰/۷۸ و ۰/۷۲ بدست آمد (۳۱). همچنین، همسانی درونی اين ابزار با روش آلفاي کرونباخ ۰/۹۰ بدست آمد. در اين پژوهش برای اولين بار اين مقیاس توسط پژوهشگر و متخصصان ترجمه شد. مقدار پايابي اين مقیاس در بررسی مقدماتی از طريق آلفاي کرونباخ ۰/۹۴ بدست آمد.

**۳- پرسشنامه نيازهاي بنيدin روان‌شناختي:** اين ابزار توسط Deci & Rayan (34) جهت اندازه‌گيری ميزان احساس

دهند. بنابراین، بررسی نقش ميانجي انتظارات زناشوبي در رابطه بين نيازهاي بنيدin و طلاق عاطفي در کارکنان شبکه بهداشت با بكارگيري روش تحليل مسیر از جمله دلایل انجام اين پژوهش است. زيرا از آنجا کادر بهداشت و درمان تحت استرس کاري زيادي قرار دارند (۲۶) به ویژه کارکنان زن که مسئوليت‌هاي عمده‌اي ديجري در خانواده نيز دارند (۲۷)، از اين رو نياز به حمایت عاطفي بيشتری دارند (۲۸). همچنین، ممکن است انتظارات زناشوبي گوناگونی در رابطه زناشوبي اين افراد بوجود آيد که انتظار حمایت و برآورده شدن آنها را از طرف همسر خود داشته باشند که ارضا يا عدم ارضاي آنها بر روابط عاطفي آنها تاثيرگذار باشد. بنابراین، به عنوان نمونه پژوهش حاضر انتخاب شدند. با توجه به مطالب ذکر شده، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش ميانجي انتظارات زناشوبي در رابطه بين نيازهاي روان‌شناختي و طلاق عاطفي است. مدل مفهومي پژوهش حاضر برای پاسخگویی به هدف پژوهش در نمودار ۱ آورده شده است.



**نمودار ۱.** مدل فرضی نقش ميانجي انتظارات زناشوبي در ارتباط بين نيازهاي بنيدin روان‌شناختي و طلاق عاطفي در کارکنان شبکه بهداشت و درمان ماشهر

### روش کار

پژوهش حاضر، يك پژوهش توصيفي از نوع همبستگي بود و از تحليل مسیر مبتنى بر رویکرد حدائق مربعات جزئي استفاده شده است. جامعه آماری آن ۳۰۰ نفر از کارکنان متأهل شبکه بهداشت و درمان شهرستان ماشهر در سال ۱۴۰۱ بودند که از طريق فرمول کوکران و با روش نمونه‌گيری در دسترس، ۱۰۲ نفر (۸۴ زن و ۱۸ مرد) و داوطلب شرکت در پژوهش شدند. لازم به ذكر است که در ابتدا ۱۵۰ پاسخ‌نامه دریافت شد که با توجه به ملاک‌های پژوهش تعداد ۱۰۲ نفر واجد شرایط پژوهش بودند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل ۱- متأهل بودن، ۲- توانابي خواندن و نوشتن، و ۳- عدم اقدام به مشاوره و طلاق قانوني بود. همچنین، ملاک خروج پژوهش ۱- عدم تمایل به همکاري

مشخصات جمعيت شناختي شركت كنندگان شامل سن، جنس، طول مدت ازدواج، تعداد فرزندان و تحصيلات جمع آوري شد. لازم به ذكر است که رضایت آگاهانه، رعایت اصل را زداری و عدم آسيب به شركت كنندگان به عنوان ملاحظات اخلاقی اين پژوهش در نظر گرفته شدند.

داده هاي اين پژوهش به صورت توصيفي (ميanganين و انحراف معيار) و استنباطي (همبستگي پيرسون و تحليل مسیر) مورد تجزيه و تحليل قرار گرفتند. برای بررسی رابطه متغيرهای Path Analysis و Correlation و استفاده شد. نرم افزار آماری مورد استفاده (Smart PLS) نسخه ۳ بوده است و Smart Partial Least Squares (p<0.01) به عنوان سطح معناداري در نظر گرفته شده است.

## نتایج

در پژوهش حاضر ۱۰۲ نفر (۸۶ زن و ۱۸ مرد) با ميانگين سنی ۳۷ و انحراف معيار ۵/۷ و ميانگين طول مدت ازدواج ۱۰/۷۹ و انحراف معيار ۷/۲۲ شركت كردند. مقدار دامنه تغييرات برای طول مدت ازدواج ۳۷ و برای سن ۳۴ بود. همچنين مقدار بيشينه طول مدت ازدواج و سن به ترتيب ۳۸ و ۶۱ و مقدار کمینه آن ها به ترتيب ۱ و ۲۵ بود. سطح تحصيلات شركت كنندگان بدین ترتيب بود که ۹ نفر ديبلم (۸/۸۲ درصد)، ۱۵ نفر فوق ديبلم (۱۴/۷۰)، ۶۱ نفر ليسانس (۵۹/۸۰)، ۱۱ نفر فوق ليسانس (۱۰/۷۸) و ۶ نفر دكترا (۵/۸۸) داشتند. همچنين از لحاظ تعداد فرزند ۲۰ نفر بدون فرزند (۱۹/۶۰)، ۳۵ نفر داراي يک فرزند (۳۴/۳۱)، ۴۰ نفر داراي ۲ فرزند (۳۹/۲۱) و ۷ نفر داراي ۳ فرزند (۶/۸۶) بودند. در جدول ۱، اطلاعات توصيفي و ماتريس ضريب همبستگي پيرسون بين متغيرهای پژوهش گزارش شده است.

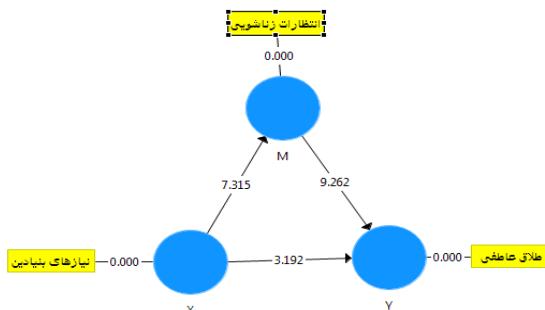
حمایت از نيازهاي خودمنختاری، شایستگی و ارتباط با دیگران ساخته شده است (۱۲). اين مقیاس از ۱۲ گویه تشکیل شده است که براساس يك مقیاس ليکرتی ۵ درجه‌ای از کاملاً نادرست (۱) تا کاملاً درست (۴) تنظیم شده است. بالاترین نمره در این پرسشنامه ۴۸ و پایین‌ترین نمره آن ۱۲ می‌باشد. نمره كل مقیاس از طریق جمع کردن نمره سه خرد مقیاس به دست می‌آید. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش Deci و همکاران ۰/۸۳ بدست آمد (۱۲). همچنان، تحلیل عامل اکتشافی سه عامل را نشان داد که ۱۲/۷۵٪ از واریانس کل را تبیین کردند. روایی سازه این پرسشنامه نیز به وسیله تحلیل عامل تاییدی تایید شد (۱۲). در پژوهش Besharat (۳۲) نتایج سنجش پایایی بازآزمایی برای خرد مقیاس‌های خودپیروی، شایستگی و تعلق به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۳ و ۰/۷۶ بدست آمد. روایی این خرد مقیاس‌ها از طریق همبسته شدن با شاخص بهزیستی روان‌شناختی به ترتیب ۰/۳۱، ۰/۳۷ و ۰/۲۴ بدست آمد و با شاخص درمانگی روان‌شناختی به ترتیب ۰/۴۰، ۰/۳۹ و ۰/۴۳-گزارش شد که همه مقادیر معنادار بودند (۳۲). در این پژوهش پایایی این ابزار از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۶ بدست آمد.

در این پژوهش پس از کسب مجوز و انجام هماهنگی‌های لازم با شبکه بهداشت و درمان شهرستان ماشهر، لينک پرسشنامه‌های پژوهش با تشریح اهداف پژوهش در اختیار شركت كنندگان قرار گرفت. همچنان، برای شركت كنندگان توضیح داده شد که شركت آن‌ها در پژوهش و خروج از آن اختیاری است. سپس، توضیحاتی در مورد نحوه تکمیل پرسشنامه‌ها ارائه شد و کسانی که واجد ملاک‌های ورود به پژوهش بودند، به تکمیل پرسشنامه‌ها اقدام کردند. همچنان، پژوهش بودند، به تکمیل پرسشنامه‌ها اقدام کردند. همچنان،

**جدول ۱.** ماتریس ضربی همبستگی پیرسون متغيرهای پژوهش در كارکنان شبکه بهداشت و درمان ماشهر

متغير	انحراف معiar $\pm$ ميانگين	طلاق عاطفي		
		نيازهاي	بنيادين	روان‌شناختي
نيازهاي	۱۰.۶/۶۷ $\pm$ ۱۷/۴۱	-۰/۵۹**	-۰/۰۴	-۰/۴۴
بنيادين	۳/۹۷ $\pm$ ۵/۲۵	۱/۱۱	۱/۴۶	۱
روان‌شناختي	۶۵/۷۳ $\pm$ ۱۷/۴۲	-۰/۶۲	-۰/۶۰	-۰/۶۰
انتظارات زناشوبي	p<0.01**	-۰/۷۷**	-۰/۵۳**	۱

یکی از شاخص برآش مدل ساختاری، ارزش  $Q^2$  Stone-Geisser است که اگر مقدار آن بیشتر از صفر باشد نشانگر متناسب بودن مدل در پیش‌بینی متغیر وابسته است و مقادیر  $0.02$ ،  $0.15$  و  $0.35$  به ترتیب نشانگر تناسب ضعیف، متوسط و بزرگ مدل در پیش‌بینی است (۳۳). در پژوهش حاضر میزان  $Q^2$  برابر با  $0.60$  شده است که می‌توان استنباط کرد تناسب مدل در پیش‌بینی متغیر وابسته بزرگ است. همچنین ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده کمتر از  $0.08$  شده است که بیانگر برآش معنادار مدل است (۳۴). نمودار ۳، اطلاعات مربوط به قدر مطلق معناداری خرایب (t-value) که با استفاده از آزمون بوت استراتاپ انجام شده را نشان می‌دهد.



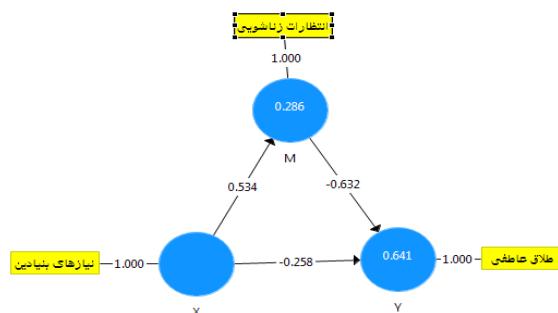
**نمودار ۳.** معناداری خرایب (t-value) متغیرهای مدل نقش میانجی انتظارات زناشویی در ارتباط بین نیازهای بنیادین روان شناختی و طلاق عاطفی در کارکنان شبکه بهداشت و درمان ماهشهر

نمودار ۳، نشان می‌دهد که مقدار t محاسبه شده برای تمامی خرایب مسیر بزرگ‌تر از  $2/58$  است و بنابراین در سطح  $0.01$  معنادار محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر اثر مستقیم بین متغیرهای پژوهش وجود دارد. لازم به ذکر است که اگر مقدار t کوچکتر از  $2/58$  بود، اثرات مستقیم معنادار نبود. بین جدول ۲، مسیر غیرمستقیم و معناداری مدل را نشان می‌دهد.

**جدول ۲.** مسیر غیرمستقیم و معناداری نقش میانجی انتظارات زناشویی در ارتباط بین نیازهای بنیادین روان شناختی و طلاق عاطفی

متغیر	نیازهای بنیادین روان شناختی	انتظارات زناشویی	→ طلاق عاطفی
معناداری	$p < 0.001$	$t = 6.39$	$t = -0.33$

همان‌طور که در جدول ۱ مشخص است، بین متغیرهای پیش‌بین (نیازهای بنیادین روان شناختی)، میانجی (انتظارات زناشویی) و ملاک (طلاق عاطفی) در سطح  $0.01$  همبستگی معنادار به دست‌آمده است. یکی از پیش‌فرضهای مهم در مدل‌های پیش‌بین تا چه اندازه رابطه خطی با همدیگر دارند و هر این شاخص نزدیک به ۱ باشد، میزان هم خطی کمتر است (۲۵). در پژوهش حاضر مقدار این شاخص  $0.71$  به دست آمده است، بنابراین هم خطی نسبتاً مناسبی برقرار است. نمودار ۱، ضرایب مسیر و ضریب تعیین مدل را نشان می‌دهد.



**نمودار ۲.** ضرایب مسیر و تعیین مدل نقش میانجی انتظارات زناشویی در ارتباط بین نیازهای بنیادین روان شناختی و طلاق عاطفی در کارکنان شبکه بهداشت و درمان ماهشهر

نمودار ۲ نشان می‌دهد که  $t = 6.41$  واریانس طلاق عاطفی توسط نیازهای بنیادین روان شناختی و انتظارات زناشویی تبیین می‌شود ( $R^2 = 0.641$ ). اثر مستقیم نیازهای بنیادین روان شناختی بر طلاق عاطفی  $-0.258$  و اثر مستقیم انتظارات زناشویی بر طلاق عاطفی  $-0.632$  است که بدین معنی است با افزایش نیازهای بنیادین روان شناختی و انتظارات زناشویی میزان طلاق عاطفی کاهش پیدا می‌کند.

نیازهای بنیادین روان شناختی و طلاق عاطفی نقش میانجی دارد. جدول ۳، مسیرهای مستقیم و معناداری آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۲، نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم نیازهای بنیادین روان شناختی بر طلاق عاطفی با میانجی‌گری انتظارات زناشویی برابر با  $-0.33$  است و بر اساس آزمون بوت استراتپ در سطح  $0.0$  معنادار گزارش شده است؛ بنابراین انتظارات زناشویی بین

**جدول ۳.** مسیرهای مستقیم و معناداری مدل نقش ميانجي انتظارات زناشوبي در ارتباط بين نيازهای بنیادين روان شناختي و طلاق عاطفي

معناداري	آماره t	ضريرب مسیر	متغير
<0.001	3/19	-0/25	نیازهای بنیادین روان شناختی ← طلاق عاطفی
<0.001	9/26	-0/63	انتظارات زناشویی ← طلاق عاطفی
<0.001	7/31	0/53	نیازهای بنیادین روان شناختی ← انتظارات زناشویی

Ebrahimi طلاق عاطفی دارد؛ اين نتيجه با نتایج پژوهش‌های و همكاران (۱۷) و Rasheed و همكاران (۲۳) همسو است. لازم به ذکر است که پژوهش ناهمسوی با نتایج پژوهش یافت نشد.

نیازهای بنیادین روان شناختی تأثیرات عمیقی بر شخصیت افراد می‌گذارند و در نهایت رفتار آنها را شکل می‌دهند (۱۱). به عبارت دیگر، نیازهای بنیادین شامل نیاز به استقلال، تعلق و احساس شایستگی در صورتی که به درستی در گذشته فرد به آنها پاسخ داده نشود و یا فرد تجربه‌های موفقی در آن زمینه ها پیدا کرده باشد، منجر به شکل‌گیری سیستم فکری می‌شود که شخصیت و رفتار فرد را در نهایت تحت تأثیر قرار می‌دهد. واضح است که فرد این سه نیاز را در ارتباط با دیگران و محیط اجتماعی خود شکل می‌دهد و ارضاء می‌کند. ازدواج و روابط صمیمانه نیز از جمله تعاملاتی اند که افراد این سه نیاز خود را در طی آن ظاهر می‌سازند و به آن پاسخ می‌دهند. براساس نظریه خود تعیین‌گری نیز در صورتی زوجین از رابطه خود رضایت دارند که به میزانی نیازهای بنیادین روان شناختی آنها برطرف شود (۱۳). به طوری که حتی ناهمانگی نیازهای روان شناختی و روش ارضای آنها بر کیفیت روابط زوجین اثر می‌گذارد و می‌تواند موجبات تعارض و اختلاف زناشویی را فراهم آورد (۲۱). از طرفی، پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که انتظارات زناشویی با طلاق عاطفی (۲۳ و ۵) و نیازهای بنیادین روان شناختی (۹) رابطه دارد و به نظر می‌رسد که ارضاء یا عدم ارضاء نیازهای بنیادین روان شناختی و یا حتی ناهمانگی نیازهای روان شناختی و روش ارضای آنها به شکل‌گیری انتظارات خاصی منجر می‌شود به طوری که رفتار و روابط فرد را تحت

جدول ۳، نشان می‌دهد که اثر مستقیم نیازهای بنیادین روان شناختی بر طلاق عاطفی برابر با  $-0.25$ ، اثر مستقیم انتظارات زناشویی بر طلاق عاطفی برابر با  $-0.63$  و اثر مستقیم نیازهای بنیادین روان شناختی بر انتظارات زناشویی برابر با  $0.53$  و بر اساس آزمون بوت استراتپ در سطح  $0.0$  معنادار گزارش شده‌اند؛ بنابراین تمامی مسیرهای مستقیم معنادار گزارش شده‌اند.

## بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش ميانجي انتظارات زناشویی در رابطه ميان نیازهای اساسی روان شناختی و طلاق عاطفی بود. نتایج نشان داد که مدل پژوهش با داده‌های تجربی در حد مطلوبی برآش داشته است. همچنین، این مدل نقش ميانجي انتظارات زناشویی در رابطه ميان نیازهای بنیادین روان شناختی و طلاق عاطفی را تأیید می‌کند. به عبارت دیگر، نیازهای بنیادین روان شناختی از طریق تأثیر انتظارات زناشویی بر طلاق عاطفی زوجین اثر می‌گذارد. نیازهای بنیادین روان شناختی تأثیر مستقیمی بر طلاق عاطفی دارد؛ به عبارت دیگر، با افزایش نیازهای بنیادین روان شناختی، طلاق عاطفی افزایش می‌باید. این نتيجه با نتایج پژوهش‌های Ardestani و همكاران (۲۰)، Bazazaiyan (۹) و همكاران (۲۲) Reic Ercegovac همسو است. همچنین، نیازهای بنیادین روان شناختی تأثیر مستقیمی بر انتظارات زناشویی دارد که این نتيجه همسو با نتيجه پژوهش Reic Ercegovac (۲۲) است. همچنین، این پژوهش نیز نشان داد که انتظارات زناشویی تأثیر مستقیمی بر

غير شاغل در نمونه وسیع تری از زنان و مردان اجرا گردد. همچنین، شناسايی ديگر متغيرهای ميانجي و تعديل گر در رابطه ميان اين دو متغير می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد.

### نتيجه‌گيري

براساس يافته‌های پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد انتظارات زناشوبي يکی از متغيرهایی است که در رابطه بين نيازهای بنیادین روان‌شناختی و طلاق عاطفی نقش ميانجي را ايفا می‌کند. در واقع، می‌توان گفت که نيازهای بنیادین روان‌شناختی منجر به شكل‌گيري انتظاراتی در افراد می‌شوند که هر فرد آن‌ها را وارد روابط خود به ویژه روابط صميمانه می‌کند و از طرف مقابل به عنوان همسر خود انتظار پاسخ‌گویی دارد. با برآورده نشدن اين انتظارات بصورت مداوم، افراد احساس می‌کنند که مورد توجه و حمایت همسر خود نبیستند و در بلندمدت زمينه سرد شدن، فاصله گرفتن و طلاق عاطفی را ايجاد می‌کنند. بنابراین، پيش از ازدواج شناسايی نيازهای اساسی روان‌شناختی افراد و انتظارات آن‌ها از يكديگر و ازدواج می‌تواند بر كيفيت رابطه زوجين و كارکرد ازدواج اثرگذار باشد.

### تشکر و قدردانی

بدينوسيله از كلیه کارکنان بهداشت و درمان شهرستان ماهشهر که ما را در انجام اين پژوهش ياري دادند، سپاسگزاريم. تمام نويستندگان در طراحی، اجرا و نگارش همه بخش‌های پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند. پروپوزال اين پژوهش توسط کميته اخلاق دانشگاه شهید چمران اهواز تایید شده است (کد اخلاق scu.ac.ir/EE/1400.2.24.14541).

### تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع بین نويستندگان وجود ندارد.

### References

- Dixon DC. (dissertation). Christian spirituality and marital health: A phenomenological study of long-term marriages. A doctoral dissertation in counseling. America; Liberty University; 2013:1-200.
- Fisher TD & MC Nulty JK. Neuroticism and marital satisfaction: The mediating role played by the sexual relationship. Journal of Family Psychology. 2020;22:112-22.

تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، افراد انتظاراتی درباره يک رابطه عاطفی دارند و میزانی که اين انتظارات واقعاً تحقق می‌يابند يکی از پيش‌بینی‌کننده‌های مهم پیامدهای رابطه‌ی زناشوبي است (۱۶). زمانی که زوجين به نيازهای بنیادين يكديگر توجه داشته باشند، بهتر می‌توانند به حمایت عاطفی همسر خود پيردازند و روابط بهتری را تجربه کنند (۱۳). از سوی ديگر، برآورده نشدن انتظارات زناشوبي در بين زوج‌ها منجر به سردی روابط ميان زوج‌ها و در نهايیت طلاق عاطفی می‌شود (۱۸ و ۱۷، ۱۶). در واقع، زمانی که زوجين انتظاراتی از رابطه دارند، اگر اين انتظارات طبق آنچه فرد می‌خواسته برآورده نشود، احساس زيان می‌کند و در صورتی که اين عدم ارضاء انتظارات ادامه پيدا کند، زوجين از يكديگر دلسrd می‌شوند که اين خود باعث بروز اختلافات و فاصله گرفتن زوجين از يكديگر و در نتيجه طلاق عاطفی می‌شود (۹).

اين پژوهش با محدودیت‌های رو به رو بود که می‌توان به روش نمونه‌گيري آن، مكان اجرا و افراد نمونه (افراد شاغل) اشاره کرد. زيرا ممکن است افراد نمونه حاضر به سبب استرس شغلی فراوان و تداخل آن با زندگی شخصی انتظارات بيشتری از شريک یا همسر خود داشته باشند که اين نتيجه بر نتایج پژوهش حاضر اثرگذار باشد. همچنین، در نمونه اين پژوهش شركت‌کنندگان زن تمایل بيشتری به همکاري داشتند که می‌تواند بر نتایج پژوهش حاضر تاثيرگذار باشد. از طرفی، به نظر می‌رسد در رابطه بين نيازهای بنیادین روان‌شناختی و طلاق عاطفی متغيرهای واسطه‌ای و تعديل گر ديگري در ميان باشد که در اين پژوهش تنها نقش يک متغير واسطه‌ای برسی گردید. بنابراین، باید در تعمیم نتایج آن به محظوظ بود. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی از ديگر روش‌های نمونه‌گيري، استفاده شود و در ديگر شهرها و مناطق کشور بر روی افراد شاغل و

- Ramezani Far H, Kaldi A, Oldi B. Analysis of factors affecting emotional divorce in married women of Tunkabon city. Quarterly Journal of Women in Development and Politics. 2020;19(2):191-167. (in Persian)
- Matson RE, Rogge RD, Johnson MD, Davidson EKB, Fincham FD. The positive and negative semantic dimensions of relationship satisfaction. Journal of Personal Relationship. 2013;20:328-55.
- Khan Mohammadi Z, Bazazian S, Amiri Majid M, Qamari M. Predicting emotional divorce based

- on basic psychological needs, marital expectations and family functioning. *Journal of Family Psychology*. 2017;5(1):17-30. (in Persian)
6. Jarwan AS, Al-frehat BM. Emotional divorce and its relationship with psychological hardiness. *International Journal of Education and Practice*. 2020;8(1):72-85.
7. Horwitz A, Helen R, Sandra HW. Becoming marital and mental health: A longitudinal study of a cohort of young adults. *Journal of Marriage and The Family Therapy*. 2019;58(6):895-907.
8. Zhang H. Association between parental marital conflict and internet addiction: A moderated mediation analysis. *Journal of Affective Disorder*. 2019;22(3):27-32.
9. Bazzazian S, Amiri Majd M, Ghamari M. The mediating role of family function in the relationship between psychological basic needs, marital expectations and marital commitment. *Contemporary Psychology*, Biannual Journal of the Iranian Psychological Association. 2019;13(2):158-68.
10. Hashemi L, & Homayuni H. Emotional divorce: Child's well-being. *Journal of Divorce and Remarriage*. 2017;58:631-44.
11. Basharat M, Houshmand S, Rezazadeh S, Gholumali Lavasani M. The moderating role of satisfying basic psychological needs in the relationship between parents' parenting styles and children's marital satisfaction. *Family Psychology*. 2014;2(1):15-28. (in Persian)
12. Deci EL, Ryan RM. The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*. 2000;11:227-68.
13. Lao Guardia JG. On the role of psychological needs in healthy functioning: Integrating a Self-determination theory perspective with traditional relationship theories. In J. V. Wood, A. Tesser, & J. Holmes (Eds.), *Self and relationships*. New York: Psychology Press.2007.
14. Shockley KM, Allen TD. It's not what I expected: The association between duallearner couples' met expectations for the division of paid and family labor and well-being. *Journal of Vocational Behavior*. 2018;104:240-60.
15. Shirmardi A, Chartangi Sh, Rasouli R. The relationship between marital expectations and happiness in the degree of willingness to divorce among married people. World Conference on Psychology and Educational Sciences, Law and Social Sciences at the beginning of the third millennium, Shiraz; 2014,1-15. (in Persian)
16. Vannier SA, O'Sullivan LF. Great expectations: Examining unmet romantic expectations and dating relationship outcomes using an investment model framework. *Journal of Social and Personal Relationships*. 2017;35(8):1045-66.
17. Ebrahimi S, Bani Fatemeh H. Emotional divorce and factors related to it in Naghdeh city. *Journal of Sociological Studies*. 2011;5(17):7-22. (in Persian)
18. Nikogoftar M. Marital conflicts and emotional divorce with the mediation of intimacy in married women: verification of a causal model. *Islamic Lifestyle Based on Health*. 2020;5(1): 117-25. (in Persian)
19. Abbaspour Z, Karimi Vardanjan M, Khojastehmehr R. The Mediating Role of Fulfillment of Marital Expectations in the effect of Marital Satisfaction on High Marital Expectations, Optimism and Relationship Self-Efficacy in University Personell. *Positive Psychology Research*. 2020;5(4):1-14.
20. Ardestani Samani Z, Ghasemi Pirbaluti M, Emami Z. Investigating the impact of psychological needs on the emotional divorce of couples referring to counseling centers in Shahrekord. The third international conference on innovation and research in educational sciences, Management and psychology; 2018, 1-13. (in Persian)
21. Glasser, W. (1998). *Choice Theory*.34<sup>nd</sup> ed: New York: HarperCollins; 1-368.
22. Reić Ercegovac I, Bubić A. Basic psychological needs predict participants' attitudes and expectations towards marriage. *Nordic Psychology*. 2016;2;68(2):73-86.
23. Rasheed A, Amr A, Fahad N. Investigating the Relationship between Emotional Divorce, Marital Expectations, and Self-Efficacy among Wives in Saudi Arabia. *Journal of Divorce and Remarriage*. 2021;62(1):19-40.
24. Mansfield J. Unrealistic marital expectations [On-Line]. Available: [www.Lamorapsych.com/knowledgebase/entry](http://www.Lamorapsych.com/knowledgebase/entry).
25. Knee CR, Hadden BW, Porter B, Rodriguez LM. Self-determination theory and romantic relationship processes. *Personality and Social Psychology Review*. 2013;17:307-24.
26. Ameri M, Fadaei Aghdam N, Khajeh M, Golish, Baha R. Investigating factors related to job stress in different work shifts of nurses working in hospitals affiliated to Shahrood University of Medical Sciences. *Journal of Nursing and Midwifery*. 2021 10;19(2):149-57. (in Persian)
27. Sadeghi Yarandi M, Khodabakhshi Kolayi A, Filofasinejad M, Khalatbari, N. The relationship between occupational stress and the immune system and functional memory of women working

- in medical diagnosis laboratories. Shafai Khatam Journal of Neuroscience. 2019;10(7):23-32. (in Persian)
28. Hosseini, Z., Pahanande Vansafli K., Mirzaian B. The relationship between job stress and social support in predicting the job satisfaction of Mazandaran University of Medical Sciences employees. Journal of Mazandaran University of Medical Sciences.;25(134):9-335. (in Persian)
29. Gottman JM. Gottman method couple therapy. Clinical handbook of couple therapy. 2008;4(8), 138-64. (in Persian)
30. Mousavi F, Rahimi A. The Comparison of Interpersonal Identity Statuses in Married People with Regards to Emotional. Journal of Applied Psychology Research. 2015;6(10):11-23. (in Persian)
31. Adoric C, and Juranic VI. Scale of tendency to idealize marriage, In: I. Tucak Junakovic, V. Cubela Adoric, A. Prorokovic and Z. Penezic, editors. Collection of psychological scales and questionnaires, Sv. 2010;5.
32. Besharat M, Ranjberklagri A. Basic Psychological Needs Satisfaction Scale: Reliability, Validity and Factor Analysis. Educational Measurement Quarterly. 2011;14(4):168-147. (in Persian)
33. Hair JF, Hult GTM, Ringle CM, Sarstedt M. A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM). Second Edition. Sage Publications; 2017:220-21.
34. Hu L-t, Bentler PM. Fit Indices in Covariance Structure Modeling: Sensitivity to Underparameterized Model Misspecification. Psychological Methods. 1998;3(4):424-53.

## The Mediating Role of Marital Expectations in the Relationship between Emotional Divorce and Basic Psychological Needs in Health Network Employees

Received: 8 Oct 2022

Accepted: 4 Dec 2022

**Bahareh Habibi<sup>1</sup>, Sara Shirmardi<sup>2\*</sup>, Khadijeh Shirali<sup>3</sup>, Keyhan Fathi<sup>4</sup>**

1. PhD in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran 2. PhD in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran 3. Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran 4. Assistant Professor, Department of Psychology, Khuzestan University Jahad Institute of Higher Education, Ahvaz, Iran

### Abstract

**Introduction:** Sometimes couples have problems and conflicts in the relationship leading them to divorce, which is a kind of social damage. Emotional divorce is considered as the first step in the divorce process, indicating a declining marital relationship. Although the relationship of many variables with emotional divorce has been determined, it can be useful to identify mediating factors. Therefore, the aim of the present study is to investigate the mediating role of marital expectations in the relationship between emotional divorce and basic psychological needs in health network employees.

**Materials and Methods:** The current research method is a correlational description. Its statistical population is composed of 102 volunteer couple of Mahshahr health and treatment network in 2022 via available sampling method. The participants answered the questionnaire of basic psychological needs, idealization of marriage and emotional divorce. The research data was analyzed using the statistical method of structural equation modeling and SPSS and pls third edition software.

**Results:** The results showed that the direct effect of basic psychological needs on emotional divorce is -0.258 and marital expectations on emotional divorce is -0.632, that both of them are significant ( $P<0.001$ ). Also, the indirect effect of marital expectations (-0.33) in the relationship between basic psychological needs and emotional divorce was significant ( $P<0.001$ ).

**Conclusion:** In general, it can be said that failure to satisfy basic psychological needs can lead to the formation of special expectations in married people, leading to emotional divorce. Therefore, in premarital educational programs and in couple therapy, paying attention to the role of marital expectations and the basic psychological needs of couples can be important in identifying and treating couple problems.

**Keywords:** Basic psychological needs, Expectations, Emotional divorce

**\*Corresponding Author:** PhD in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

**Email:** shirmardi.sara1990@gmail.com

Tel: +989371716662

Fax: +9832822313